

مهارت‌های زندگی اثرات بدرفتاری والدین بر کودکان

هنوز این سوال وجود دارد که آیا رشد کودک تحت تأثیر وراثت قرار دارد یا تربیت؟ براساس تحقیقات، جریان رشد کودک می‌تواند به وسیله عوامل ژنتیک، حوادث پیش از تولد، تأثیرات محیطی متنوع و نیز از طریق رفتار خود کودک و یادگیری‌اش تحت تأثیر قرار گیرد.



هنوز این سوال وجود دارد که آیا رشد کودک تحت تأثیر وراثت قرار دارد یا تربیت؟ براساس تحقیقات، جریان رشد کودک می‌تواند به وسیله عوامل ژنتیک، حوادث پیش از تولد، تأثیرات محیطی متنوع و نیز از طریق رفتار خود کودک و یادگیری‌اش تحت تأثیر قرار گیرد.

تمام این عوامل از راه‌های پیچیده‌ای بر یکدیگر اثر متقابل می‌گذارند. اگر بخواهیم عامل تأثیرگذار مهم از بدو تولد کودک را مورد بررسی قرار دهیم خواهیم دید که از دیدگاه‌های مختلف، کیفیت تعاملات اولیه پدر و مادر با کودک است که شخصیت کودک را در سراسر زندگی‌اش تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در هر گروه از بزرگسالان افرادی با تفاوت‌های شخصیتی و رفتاری یافت می‌شوند. برخی از پدر و مادرها هیجان‌زده هستند؛ برخی بی‌خیال‌اند؛ بعضی خجالتی و درونگرا؛ عده‌ای هم اجتماعی و پرحرف‌اند. برخی از پدر و مادرهای عصبی هنگام تصمیم‌گیری یا رویارویی با مشکل، ناراحت و مردد می‌شوند، برخی دیگر به دقت راه‌های عملی مختلف را سبک و سنگین می‌کنند و بعضی مشتاقانه و حتی خود به خود ریسک می‌کنند (البته اینها ویژگی‌هایی هستند که تحت تأثیر تجربه‌هایی که افراد به دست می‌آورند و شرایطی که خود را در آن می‌یابند، قرار می‌گیرند). همه کودکان نیز شبیه یکدیگر نیستند اما همگی آنان در دوران نوزادی نیاز دارند که مراقبان‌شان آنها را در آغوش بگیرند، نوازش کنند، با آنها صحبت کنند، برایشان لبخند بزنند و آواز بخوانند. کودکانی که یک به یک این معادلات را بموقع تجربه نمی‌کنند ممکن است بعدها در زندگی‌شان دچار مشکلات عاطفی شوند. کودکان مادرها و پدرهای مهربان، رشد اجتماعی خوبی دارند و توانایی‌شان برای دلسوزی و همدردی با دیگران زیاد است. اگر این مادرها و پدرها از مهربانی و محبت به‌عنوان تقویت‌کننده رفتار مطلوب کودکان استفاده کنند راستگویی و صداقت کودکان افزایش می‌یابد.

طبق تحقیقات آکادمی پزشکی اطفال آمریکا، پدر و مادر باید از کودکان تعریف و او را تحسین کنند، از صحبت‌های مثبت استفاده کرده و خود را علاقه‌مند به آنچه کودکان می‌گویند نشان دهند. وقتی کودک کاری را انجام داده که پدر و مادر دوست دارند آن را بهتر و مرتب‌تر انجام می‌داد باید از تقویت‌های مثبت مانند تعریف، تمجید و محبت به‌جای تقویت‌های منفی مانند تنبیه استفاده کنند. نامهربانی و بی‌عاطفه بودن مادر و پدر در اوایل کودکی موجب مشکلات رفتاری کودک در سال‌های بعدی زندگی‌اش می‌شود. شکست مادر و پدر در ابراز عشق و محبت می‌تواند منجر به عزت نفس پایین، رفتارهای ضداجتماعی، پیشرفت کم تحصیلی و آسیب به سلامت جسمانی کودک شود.

اثرات بی‌توجهی و ناسزا گفتن والدین بر کودکان

بدرفتاری با کودک مانند ناسزا گفتن و بی‌توجهی هر دو می‌توانند بلافاصله یا در طولانی مدت اثرات منفی روانشناختی، جسمی و رفتاری بر کودک بگذارند. کودکانی که نسبت به آنها بی‌توجهی می‌شود در کنار آمدن با درخواست‌های زندگی احساس حقارت می‌کنند و از این رو نسبت به دیگران بدگمان و متخاصم می‌شوند. در نتیجه، ممکن است سبک زندگی آنان شامل انتقام‌جویی، بی‌زاری از موفقیت دیگران و انجام دادن هر آنچه احساس می‌کند سزاوار آنهاست، باشد. کودکانی که مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند و به آنان ناسزا گفته می‌شود به احتمال خیلی زیاد در دبستگی و عشق دچار مشکل می‌شوند و عزت نفس پایینی خواهند داشت. وابستگی زیادی به دیگران پیدا می‌کنند و عصبی خواهند شد.

بدرفتاری کردن با خردسالان می‌تواند از رشد مغزشان جلوگیری کند و پیامدهای درازمدتی داشته باشد به طوری که توانایی پاسخ‌دهی به مهربانی و حمایت در کودکانی که به باد ناسزا گرفته می‌شوند به‌طور محدودی رشد می‌کند. همچنین آنان ممکن است در برخورد با استرس، تمرکز، توجه و کنترل تکانه‌ها و حرکات ظریف مشکل داشته باشند. خردسالانی که به آنها ناسزا گفته می‌شود ممکن است مستعد بیش‌فعالی، اضطراب و اختلالات خواب باشند. خردسالانی که به آنها بی‌توجهی می‌شود نمرات کمتری در توانایی‌های شناختی، اجتماعی و عاطفی دریافت می‌کنند. به احتمال زیاد در زبان بیانی و دریافتی تأخیر خواهند داشت و در آزمون هوش نمرات پایینی می‌گیرند. به علاوه کودکانی که از بدرفتاری رنج می‌برند در خطر بیشتری قرار دارند که بعدها در زندگی‌شان خشونت را به کار برند و به احتمال زیاد چرخه بی‌توجهی به کودک را با بدرفتاری کردن با کودکان خودشان ادامه می‌دهند.

اثرات آزار دادن و ناراحت کردن کودکان توسط والدین

پدرها و مادرهای آزاردهنده و اعصاب خردکن باعث می‌شوند کودکان رشد شناختی، اجتماعی و عاطفی ضعیفی داشته باشند. این والدین احساس می‌کنند مراقبت و نگهداری از کودکان در مقایسه با کودکان دیگر سخت‌تر است یا خیلی اوقات که با کودکان هستند عصبی‌اند و احساس ناراحتی می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهند که اینگونه کودکان مشکلات رفتاری مانند دعوا کردن، مشاجره کردن یا کتک زدن را بروز می‌دهند آنان در آمادگی شناختی برای ورود به مدرسه، توانایی کلامی و بلوغ روانی اجتماعی نمرات پایینی دریافت می‌کنند.

کودکان بزرگ‌تر که والدین آزاردهنده دارند مشکلات عاطفی و رفتار عمیقی بروز می‌دهند. والدینی که کودک را زیاد آزار می‌دهند و ناراحت می‌کنند موجب می‌شوند حواس‌پرتی، آشفتگی و خصومت کودک در کلاس بیشتر شود. تحقیقات نشان می‌دهد هر چقدر آزار دادن پدر و مادر در مراحل رشدی کودکان زودتر شروع شود بعدها در زندگی این کودکان، پیامدهای مسئله‌دار و بغرنج قابل پیش‌بینی خواهد بود. بهتر است این والدین گاهی اوقات از کودکان خود دور شوند و برای کنار آمدن با استرس خود از ورزش منظم و معاشرت کردن با دیگران کمک بگیرند. والدین در رابطه خود با کودکان تا حد زیادی از طریق عشق برانگیخته می‌شوند.

والدین هر وضعیتی که داشته باشند فرقی ندارد زیرا کودکان از آنها توقع عشق و مراقبت دارند. پدر و مادر دائماً می‌توانند کودکان را در آغوش بگیرند یا به او بگویند، دوستت دارم؛ که این کار مخصوصاً برای کودکان خشمگین، اهل جروب‌ها یا بدخلق می‌تواند اثربخش باشد. خردسالان رفتارهایی را که از پدر و مادر خود می‌بینند الگو قرار می‌دهند و به احتمال خیلی زیاد، آن را در بزرگسالی برای کودکان خود بروز می‌دهند. کودکانی که پدر و مادری مهربان و با عاطفه دارند در بزرگسالی حس امنیت بیشتری از زندگی خود، گزارش می‌دهند.

کودکان در دنیای اجتماعی متشکل از شبکه‌های پیچیده روابط با دیگران بزرگ می‌شوند. در چنین دنیای اجتماعی است که قدرت درک و فهم‌شان، توانایی برقراری ارتباطشان، ادراک از خود، سازگاری و نیروی کنار آمدن با استرس و تغییر را گسترش می‌دهند. به والدین توصیه می‌کنیم از آنجایی که مهربانی مراقبان با رشد روانی اجتماعی کودکان، در ارتباط است مهم است آنها کسی را برای مراقبت از کودک خود به‌عنوان پرستار یا مراقب انتخاب کنند که با کودک مهربان و با محبت باشد و نسبت به او بدرفتاری نکند.